روایت دبیر سرویس شهرستان‌های روزنامه کیهان از روزهای جنگ ایران و عراق

باید از امید می‌نوشتیم

ریحانه جولایی: منصور سعدی، روزنامه‌نگاری که در سال‌های جنگ ایران و عراق مسئول سرویس شهرستان‌های روزنامه کیهان بوده، از تجربه‌هایش در فضای رسانه‌ای آن روزها می‌گوید.

به گفته او، در زمان جنگ محدودیت‌هایی برای انتشار اخبار وجود نداشت اما خبرنگاران و دبیران برای خودشان خط قرمزهای نانوشته‌ای داشتند. برای مثال، خبرهای اشغال شهرها توسط نیروهای عراقی نباید منتشر می‌شد و جای آن را گزارش‌های مثبت و امیدبخش می‌گرفت. سعدی توضیح می‌دهد که رویکرد مدیریت وقت روزنامه بر این اساس بود که روحیه مردم و جبهه‌ها نباید با اخبار منفی تضعیف شود. این سیاست باعث می‌شد بخش مهمی از واقعیت‌های تلخ جنگ از صفحات روزنامه حذف شود، هرچند خبرنگاران در پشت صحنه آنها را می‌دیدند و ثبت می‌کردند. روایت منصور سعدی پرده‌ای تازه از چگونگی مدیریت خبر در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران را باز می‌کند.

●●●

آقای سعدی از چه زمانی وارد رسانه شدید و با چه نشریاتی همکاری داشتید؟

فعالیت حرفه‌ای را از سال ۱۳۴۹ در روزنامه کیهان آغاز کردم و پس از آن با تمام روزنامه‌های بزرگ کشور، به‌جز روزنامه اطلاعات، همکاری داشته‌ام؛ ازجمله جام‌جم، ایران و همشهری. به‌طور کلی، می‌توان گفت ما در عرصه رسانه، موضعی مخالف با روزنامه اطلاعات داشتیم.

در زمان جنگ ایران و عراق شما در کدام روزنامه مشغول بودید و چه مسئولیتی داشتید؟

در زمان آغاز جنگ تحمیلی، یعنی سال ۱۳۵۹، من دبیر سرویس شهرستان‌های روزنامه کیهان و عضو شورای تیتر جنگ بودم. نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم، این بود که برخلاف آنچه در تاریخ رسمی آمده، جنگ از ۳۱ شهریور آغاز نشده بود، بلکه عراق از اوایل شهریور تحرکات خود را آغاز کرده بود؛ به‌طوری‌که نیروها و تانک‌های خود را به مناطق مرزی اعزام کرده بود. به خاطر دارم که در منطقه بهمنشیر و نیز در مرزهای کرمانشاه و قصرشیرین، این تحرکات محسوس بود. در آن روزها یکی از خبرنگاران ما در قصرشیرین، زمانی که شهر زیر آتش توپخانه بود، با من تماس گرفت و گوشی تلفن را به سمت بیرون گرفت تا صدای گلوله‌باران را مستقیم بشنوم. در آن زمان، تیترهای نخست روزنامه ما به همین تجاوزات عراق اختصاص داشت.

برای تیتر زدن با محدودیت‌هایی هم مواجه بودید؟ در آن زمان قطعا سرعت انتشار خبر و صحت‌سنجی مانند امروز نبود. این موضوع برای شما مشکلی به وجود نمی‌آورد؟

پس از حدود ۱۰ تا ۱۵ روز از درج این تیترها، مرحوم دکتر یزدی که آن زمان سرپرست روزنامه کیهان و هم‌زمان نماینده مجلس شورای اسلامی بودند، در جلسه‌ای حاضر شدند. این جلسات معمولا با حضور سرپرستان روزنامه برگزار می‌شد. ایشان در جلسه مطرح کردند که در مجلس شورای اسلامی برخی نمایندگان نسبت به تیترهای روزنامه انتقاد کرده‌اند و معتقدند این تیترها موجب رعب و وحشت در میان مردم می‌شود و انتشار چنین اخباری به صلاح نیست، چون به اعتقاد ایشان هنوز جنگ به شکل رسمی آغاز نشده است. در پاسخ عرض کردم که متأسفانه این حملات واقعیت دارد و هم‌اکنون مناطق غربی کشور تحت گلوله‌باران سنگین عراق قرار دارد. با وجود این، تصمیم بر آن شد که موقتا درج اخبار مربوط به جنگ متوقف شود تا زمانی که شرایط تغییر کند.

در آن زمان روزنامه کیهان یکی از روزنامه‌های پرمخاطب بود. روند اطلاع‌رسانی در آن دوره به چه صورت بود؟

این وضعیت تا ۳۱ شهریور ادامه داشت؛ زمانی که عراق حملات هوایی گسترده‌ای را آغاز و چندین فرودگاه ازجمله فرودگاه مهرآباد را بمباران کرد. از آن روز به بعد، جنگ به‌صورت رسمی آغاز شد. روزنامه کیهان به دلیل برخورداری از یک سرویس شهرستان، بسیار قوی بود و حدود ۲۵ نفر عضو داشت و عملا در پوشش اخبار جنگ پیشرو بود. برخلاف روزنامه‌های دیگر مانند اطلاعات، رسالت و سلام که بعدا سرویس جنگ تأسیس کردند، روزنامه کیهان چنین بخشی را ایجاد نکرد و اخبار جنگ همچنان از طریق سرویس شهرستان‌ها گردآوری و منتشر می‌شد.

به همین دلیل، در طول هشت سال دفاع مقدس، من به‌صورت مداوم در جریان تحولات جنگ قرار داشتم. روزهای ابتدایی جنگ، عراق حملات شدیدی را ترتیب می‌داد. یکی از تلخ‌ترین روزهایی که به یاد دارم، سقوط «خرمشهر» بود. یکی از تیترهای بسیار تأثیرگذاری که در آن مقطع انتخاب کردم، این بود: «خونین‌شهر با آخرین فشنگ‌ها مقاومت می‌کند». در واقع نمی‌خواستیم تیتر بزنیم که خرمشهر سقوط کرده است، به همین دلیل این تیتر را انتخاب کردم که برایم بسیار دردناک بود.

کمی از شرایط آن سال‌ها بگویید. به‌عنوان یک خبرنگار وضعیت را چطور می‌دیدید؟

در آن مقطع، کشور آمادگی لازم برای مقابله با تهاجم عراق را نداشت. ارتش هنوز دچار تحولات و مشکلات ناشی از تغییرات ساختاری بود و سپاه پاسداران نیز در ابتدای مسیر تشکیل و تثبیت خود قرار داشت. با این حال، فرماندهان شجاعی همچون شهید همت‌پور و شهید باکری، با ایستادگی و جان‌فشانی در مقابل دشمن مقاومت می‌کردند و جوانان بسیاری نیز به میدان نبرد شتافتند. در واقع می‌توان گفت که در آن زمان، تمام دنیا پشت سر عراق ایستاده بود و کشورهای بزرگ دنیا با ارائه تجهیزات و حمایت‌های مختلف، عراق را یاری می‌کردند و ایران در آن مقطع کاملا تنها بود.

چه زمانی شما شروع جنگ را باور کردید و پذیرفتید که شرایط تغییر کرده است؟

به یاد دارم که در روز ۳۱ شهریور، زمانی که حملات هوایی عراق آغاز شد و شدت یافت، این حقیقت برای ما ملموس شد که جنگ آغاز شده است. از آن روز به بعد، دیگر باور کردیم که جنگی تمام‌عیار میان ایران و عراق در جریان است. هرچند تصور نمی‌کردیم این جنگ هشت سال به طول بینجامد، اما همان روز واقعیت را پذیرفتیم. در طول هشت سال دفاع مقدس، تیترهای نخست روزنامه کیهان تقریبا به‌طور کامل به اخبار جنگ اختصاص داشت. روزهایی که حضرت امام خمینی(ره) سخنرانی می‌فرمودند، معمولا محور سخنان ایشان نیز به موضوع جنگ مربوط می‌شد و تیترهایی که انتخاب می‌کردیم، بازتاب همین بیانات بود. البته گاهی مسائل داخلی کشور نیز در تیترهای اصلی جای می‌گرفتند.

در تمام آن هشت سال بی‌شک خبرهای تکان‌دهنده‌ای به شما رسیده است. فارغ از برخی خبرها که منتشر نمی‌شد، چه اتفاقاتی را رسانه‌ای کردید که هنوز از ذهن شما پاک نشده است؟

اگر بخواهم تکان‌دهنده‌ترین خبری را که در آن سال‌ها کار کرده‌ام ذکر کنم، باید بگویم که تقریبا تمامی اخبار جنگ برای ما تکان‌دهنده بود، اما از میان آنها، دو خبر بیش از همه در ذهنم مانده است؛ بمباران شیمیایی «سردشت» و همچنین بمباران شیمیایی «شلمچه». بمباران سردشت به‌خصوص یکی از اخبار بسیار ناگوار و دردناک آن دوره بود که هیچ‌گاه از یاد نمی‌برم. برای مثال، مدرسه‌ای در آذربایجان بمباران شده بود که این اتفاقی بسیار ناگوار و تلخ بود. البته اخبار مربوط به جنگ معمولا از سوی ستاد تبلیغات جنگ به رسانه‌ها اعلام می‌شد و ما موظف شده بودیم پیش از انتشار هرگونه خبری، ابتدا منتظر اعلام رسمی از سوی این ستاد باشیم. با این حال، طبیعت حرفه خبرنگاری ایجاب می‌کند که خبرنگار نتواند بی‌تفاوت بماند و منتظر بماند تا یک نهاد رسمی خبر را اعلام کند.

خبرهایی هم بوده که بدون هماهنگی با نهادهای رسمی منتشر شده باشد و توبیخ شده باشید؟

خبرنگاران ما، چه آنهایی که از تهران به مناطق مرزی اعزام شده بودند و چه خبرنگاران بومی که در همان مناطق مستقر بودند، اخبار را مخابره می‌کردند و ما نیز از این گزارش‌ها استفاده می‌کردیم. بارها به ما انتقاد می‌شد که چرا اخبار را زودتر منتشر می‌کنیم، اما این اخبار هیچ‌گاه بی‌اساس، دروغ یا نادرست نبودند. با وجود این، سیاست ستاد تبلیغات جنگ این بود که انتشار خبر را به تأخیر بیندازد تا زمانی که عملیات نظامی به‌طور کامل به نتیجه برسد و نیروها در مناطق فتح‌شده مستقر شوند؛ زیرا احتمال می‌رفت که در صورت اعلام زودهنگام خبر، دشمن پاتک زده و مجددا منطقه را بازپس بگیرد.

اما طبیعت کار رسانه‌ای و مسئولیت خبرنگاری چنین انفعالی را برنمی‌تابد. در آن زمان، روزنامه کیهان به دلیل انتشار سریع اخبار جنگ، همواره مورد انتقاد ستاد تبلیغات جنگ قرار می‌گرفت. بنده به‌عنوان نماینده روزنامه در جلسات ستاد تبلیغات جنگ شرکت می‌کردم. در ابتدای جنگ، جلسات این ستاد در خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) برگزار می‌شد که در آن مقطع آقای دکتر کمال خرازی ریاست ایرنا و همچنین ریاست ستاد تبلیغات جنگ را بر عهده داشتند. جلسات اولیه در دفتر ایشان برگزار می‌شد و بعدها محل جلسات به مکان‌های مختلفی منتقل شد؛ مدتی در ستاد ارتش، مدتی در مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که همان محل وزارت اطلاعات فعلی بود و در دیگر مکان‌ها تشکیل می‌شد.

همواره در این جلسات ما از سوی مسئولان ستاد مورد انتقاد قرار می‌گرفتیم که چرا روزنامه کیهان اخبار را زودتر منتشر می‌کند و چرا بدون هماهنگی با ستاد، اقدام به درج خبر کردید. یکی از خاطراتی که به یاد دارم مربوط به یکی از روزهای ۱۲ بهمن و آغاز دهه فجر بود که آن روز مصادف با روز شنبه شده بود. ما تصمیم داشتیم در آن روز، خبری در رابطه با جنگ را به‌عنوان تیتر نخست روزنامه منتشر کنیم. همچنین قصد داشتیم صفحه اول روزنامه را به‌صورت رنگی چاپ کنیم. در آن زمان، چاپ روزنامه‌های رنگی رایج نبود و برای چاپ رنگی، کارهای آماده‌سازی باید یک روز زودتر انجام می‌شد؛ یعنی باید روز جمعه آماده‌سازی می‌کردیم تا روز شنبه چاپ شود.

خبرنگار ما که در کرمانشاه مستقر بود و مسئول پوشش اخبار غرب کشور ازجمله استان‌های کردستان و ایلام بود، با استاندار وقت ایلام ارتباط نزدیکی داشت. این استاندار در جریان کامل تحولات جبهه بود و اطلاعات را در اختیار خبرنگار ما قرار می‌داد. روز جمعه، خبری به ما رسید مبنی بر اینکه نیروهای ایرانی حمله‌ای را انجام داده و موفق به کسب فتوحات و پیشروی‌هایی در یک منطقه مشخص شده و در آنجا مستقر شده‌اند.

ما این خبر را به‌عنوان تیتر نخست روزنامه انتخاب کردیم و صفحه اول روزنامه رنگی را برای چاپ آماده کردیم. این روزنامه صبح شنبه منتشر شد. در همان روز، حدود ساعت ۱۲ ظهر روزنامه کیهان با این تیتر به دست مخاطبان رسید و حوالی ساعت دو بعدازظهر همان روز، رادیو جمهوری اسلامی ایران همین خبر را به‌صورت رسمی اعلام کرد. این نشان می‌داد که خبر ما کاملا صحیح و معتبر بوده و تنها با فاصله زمانی نسبت به اعلام رسمی منتشر شده است.

ستاد تبلیغات جنگ معمولا ۲۴ ساعت یا حتی بیشتر صبر می‌کرد تا نیروهای نظامی به‌طور کامل در منطقه تثبیت شوند و شرایط برای اعلام خبر آماده شود. اما کارکرد یک روزنامه و وظیفه خبرنگاران به‌گونه‌ای است که نمی‌توانند این زمان طولانی را برای انتشار یک خبر مهم و سرنوشت‌ساز صبر کنند.

قطعا در آن زمان سانسورهایی وجود داشته و شما نیز در صحبت‌های خود به آنها اشاره کردید، این سانسورها دقیقا شامل چه مواردی بود؟ خط قرمزها کجا قرار داشتند و تا چه میزان به شما اجازه داده می‌شد واقعیت‌های جنگ را به مخاطبان نشان دهید و منتشر کنید؟ این واقعیت‌ها می‌توانست شامل تعداد شهدا یا شرایط رزمندگان باشد؟ تا چه حد در انتشار این موضوعات آزادی عمل داشتید؟

ما تا جایی که می‌توانستیم تلاش می‌کردیم اخبار پیروزی‌ها را منتشر کنیم؛ چراکه مردم نگران بودند. چه آنهایی که بستگان و فرزندان‌شان در جبهه‌ها حضور داشتند و چه مردم در پشت جبهه‌ها، همه نگران وضعیت جنگ بودند. ما سعی می‌کردیم اخبار پیروزی‌ها را برجسته کنیم و خبر شکست‌ها را معمولا منتشر نمی‌کردیم. گاهی اوقات، در لفافه و در دل خبرهای دیگر، اشاره‌ای به پیشروی نیروهای عراقی می‌کردیم؛ اما به‌طور کلی پیشروی‌های عراق را صریح و مستقیم اطلاع‌رسانی نمی‌کردیم.

به شما دستور داده شده بود این اخبار را منتشر نکنید؟

خیر، هیچ‌گاه کسی مستقیما به ما نگفت که این اخبار را منتشر نکنید. این یک درک حرفه‌ای و ملی بود؛ طبیعت کار روزنامه و حس وظیفه‌شناسی ما اقتضا می‌کرد که بتوانیم در انتشار اخبار توازن ایجاد کنیم. خبر شکست برای مردم تلخ و ناگوار بود و نمی‌خواستیم در روزهایی که مردم با نگرانی زندگی می‌کردند، بار دیگر با اخبار ناگوارتر مواجه شوند. اعتماد مردم به روزنامه بسیار بالا بود. به یاد دارم در دوران جنگ، مردم از ساعت یک یا دو بعدازظهر در صف‌های طولانی جلوی دکه‌های روزنامه‌فروشی می‌ایستادند تا روزنامه کیهان به دست‌شان برسد. چنین اعتمادی بین مردم و روزنامه وجود داشت. با چنین سطحی از اعتماد، ما نمی‌توانستیم اخباری را منتشر کنیم که بیش از پیش دل مردم را بشکند.

البته مواردی مانند بمباران‌های شیمیایی را حتما اطلاع‌رسانی می‌کردیم؛ اما بیشتر سعی می‌کردیم این‌گونه اخبار را در قالب مواردی منعکس کنیم که منجر به محکومیت بین‌المللی عراق شود. یعنی این‌گونه اخبار را با تأکید بر نقض حقوق بشر توسط عراق پوشش می‌دادیم.

پس می‌توان گفت در آن دوران خط قرمز مشخص و صریحی وجود نداشت که به شما ابلاغ شده باشد از آن عبور نکنید یا اجازه انتشار فلان موضوع را نداشته باشید.

خیر، خط قرمز به آن معنا که از سوی نهادی به ما ابلاغ شود، وجود نداشت. ما خودمان برای خودمان ترمزهایی قائل بودیم تا هر خبری را منتشر نکنیم. در واقع، تشخیص اینکه چه خبری باید منعکس شود و چه خبری خیر، به تخصص و تجربه ما به‌عنوان روزنامه‌نگار و مسئول رسانه بازمی‌گشت. کسی به ما نمی‌گفت این خبر را بنویسید یا ننویسید؛ چراکه آنها متخصص امور نظامی بودند و ما نیز به‌عنوان رسانه‌ای‌ها، وظیفه داشتیم تصمیم بگیریم چه اخباری را به مردم ارائه کنیم تا موجب دلگرمی آنها شود و از سویی باعث دلسردی‌شان نشود. این وظیفه رسانه‌ها و دست‌اندرکاران مطبوعات بود.

تنها توصیه‌ای که به ما می‌شد، این بود که اخبار را زودتر از اعلام رسمی منتشر نکنیم. البته ما نیز در چارچوب منافع ملی، نهایت تلاش خود را می‌کردیم که خبری را که انتشار آن به ضرر منافع ملی و امنیت کشور باشد، منعکس نکنیم. به‌عنوان مثال، اگر خبری داشتیم مبنی بر پیشروی نیروهای ایرانی در منطقه‌ای که هنوز تثبیت نشده بود و احتمال ضدحمله و بازپس‌گیری آن منطقه توسط عراق وجود داشت، طبیعتا در انتشار چنین اخباری ملاحظه می‌کردیم. این موارد را درک و رعایت می‌کردیم.

در بررسی‌هایی که انجام می‌دادم و به دنبال افرادی برای مصاحبه می‌گشتم، متوجه شدم در آن دوران خبرنگاران خانم فعال در حوزه جنگ، چه در میدان نبرد و چه در تحریریه‌ها، بسیار معدود بودند. آیا واقعا چنین بوده است؟ تعداد خبرنگاران زن فعال در آن دوره اندک بوده یا اینکه به مرور زمان نام و یادشان کم‌رنگ شده است؟

مناطق جنگی عمدتا مناطقی بودند که آقایان برای پوشش خبری به آنجا اعزام می‌شدند. حضور خانم‌ها در خط مقدم جبهه به دلایل مختلفی دشوار بود. شرایط خاص آن مناطق و محدودیت‌هایی که برای بانوان وجود داشت، عملا امکان حضور آنان را در خطوط مقدم جبهه محدود می‌کرد. البته این موضوع مختص ایران هم نبود؛ در سایر کشورهای دنیا نیز چنین شرایطی وجود دارد و هنوز هم در بسیاری از موارد، حضور بانوان در خطوط مقدم جنگ کمتر دیده می‌شود.

البته در جنگ‌های اخیر شاهد هستیم که خانم‌ها نیز در پوشش میدانی جنگ حضور فعالی دارند. البته این به آن معنا نیست که در دوران دفاع مقدس، بانوان هیچ نقشی نداشتند. خانم‌ها در پشت جبهه فعال بودند و خبرهایی که در شهرها و مناطق پشت جبهه اتفاق می‌افتاد، اعم از بمباران‌ها یا فعالیت‌های پشتیبانی، عمدتا توسط خبرنگاران خانم پوشش داده می‌شد. در تحریریه‌ها نیز خانم‌ها نقش داشتند؛ اما به دلیل عرف آن زمان، کمتر نامی از خبرنگاران، چه خانم‌ها و چه آقایان، در اخبار برده می‌شد.

شاید یکی از دلایل دیگر این بود که احتیاط‌هایی در این زمینه وجود داشت؛ زیرا ممکن بود ذکر نام خبرنگار، به دلایلی برای او ایجاد مشکل کند. حتی در مورد خبرنگاران مرد نیز همین وضعیت حاکم بود و به ندرت نام خبرنگار در ذیل گزارش‌ها و عکس‌ها درج می‌شد. اگر هم در مواردی اسمی ذکر می‌شد، معمولا در حاشیه یا در داخل تحریریه باقی می‌ماند و کمتر به‌صورت رسمی در خروجی روزنامه‌ها قرار می‌گرفت.

در ذهن خود خبرنگارانی را به خاطر دارید، چه خانم‌ها و چه آقایانی که در آن دوران بدون ذکر نام‌شان در میدان نبرد یا در شهرها به پوشش اخبار جنگ مشغول بودند؟

بله، خبرنگاران زیادی در آن دوران فعال بودند. برای مثال، آقای مرحوم خدری، خبرنگاری بود که اخبار جنگ را از خوزستان مخابره می‌کرد. همچنین مرحوم مشتاق فرزانه که پیش از انقلاب خبرنگار کیهان در خرمشهر بود و در طول جنگ نیز فعالیت داشت.

درخصوص خانم‌ها، من به خاطر نمی‌آورم که خبرنگار خانم به‌صورت میدانی در رسانه‌ها فعالیت داشته باشد. اگر هم خانم‌هایی در این حوزه فعال بودند، بیشتر به کارهای خبری شهری مشغول بودند یا در دفاتر روزنامه‌ها حضور داشتند. این وضعیت در سایر روزنامه‌ها نیز به همین ترتیب بود. در آن زمان، روزنامه‌های زیادی وجود نداشت. پیش از انقلاب، تنها روزنامه‌های کیهان، اطلاعات و آیندگان بودند که پس از تعطیلی آیندگان، در سال‌های بعد روزنامه‌هایی مانند رسالت، ابرار و سپس سلام به وجود آمدند.

عکس: شرق

آقای سعدی، اگر امروز به گزارش‌هایی که ۴۰ سال پیش نوشته‌اید، بازگردید و آنها را مرور کنید، فکر می‌کنید آن زمان توانسته‌اید واقعیت‌های جنگ را آن‌گونه که باید به مخاطب منتقل کنید؟ آیا مواردی بوده که احساس کرده باشید کاستی‌هایی در اطلاع‌رسانی وجود داشته یا شاید احتیاط‌هایی بوده که اگر انجام نمی‌دادید بهتر بود؟

بله، معمولا در هر حرفه‌ای این حس وجود دارد. چه در کار خبری و چه در مشاغل دیگر، ممکن است فردی در بازگشت به گذشته احساس کند می‌توانسته تصمیمات بهتری اتخاذ کند. یک پزشک ممکن است بگوید اگر داروی دیگری تجویز می‌کرد، نتیجه بهتری می‌گرفت. یا یک معلم فکر کند اگر آن نکته را در کلاس مطرح می‌کرد، تأثیر بیشتری داشت. در حوزه خبرنگاری نیز این مسئله وجود داشت. وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که می‌شد کارها را بهتر انجام داد.

اما در آن زمان، تلاش ما این بود که بهترین اخبار را در اختیار مخاطب قرار دهیم و در عین حال، به‌گونه‌ای عمل کنیم که به منافع ملی کشور آسیبی وارد نشود. این نکته‌ای بود که ناگزیر باید رعایت می‌کردیم. شاید همین رعایت منافع ملی، در مواردی باعث می‌شد کاستی‌هایی در اطلاع‌رسانی پیش بیاید؛ اما در مقابل منافع ملی ارجحیت داشت.

مثالی خاص از این موارد در ذهن دارید که برایتان پررنگ‌تر باشد؟

موارد بسیاری بود. زمانی که عراق به برخی مناطق پیشروی کرده و آن مناطق را در اختیار گرفته بود، ما این موضوعات را به‌طور کامل منعکس نمی‌کردیم. مثلا بخش‌هایی از خوزستان، استان ایلام یا بخش‌هایی از استان کرمان به تصرف عراق درآمده بود که ما در روزنامه به‌طور مستقیم به این مسئله اشاره نمی‌کردیم؛ اما پس از آنکه درگیری‌هایی رخ می‌داد یا نیروهای ایرانی موفق به عقب‌راندن نیروهای عراقی می‌شدند، خبر آن را منعکس می‌کردیم.

در آن زمان بازداشت و بازخواست خبرنگارانی که در جنگ حضور داشتند رایج بود؟ مثلا مشابه آنچه امروز اتفاق افتاد و برخی از خبرنگاران هنگام تهیه گزارش بازداشت شده بودند.

خیر، من به خاطر نمی‌آورم که چنین اتفاقی افتاده باشد. بین مسئولان جنگ و خبرنگاران و روزنامه‌ها نوعی هماهنگی وجود داشت. خبرنگارانی که گزارش تهیه می‌کردند، معمولا خبر خود را از یک مقام مسئول دریافت می‌کردند و اگر نام آن مقام ذکر نمی‌شد، اما منبع خبر معتبر بود. بنابراین، هیچ‌گاه پیش نیامد که خبرنگاری به خاطر انتشار یک خبر بازداشت شود.

علاوه بر این، روزنامه‌ها در آن زمان از اعتبار بالایی برخوردار بودند. سرپرستان روزنامه‌های کیهان و اطلاعات افرادی بودند که از سوی امام خمینی(ره) نمایندگی داشتند و جزء سران کشور محسوب می‌شدند. روزنامه جمهوری اسلامی و رسالت نیز توسط افرادی اداره می‌شدند که از چهره‌های شاخص نظام بودند. بنابراین، خبرنگاران این روزنامه‌ها تحت حمایت مدیران خود بودند. ممکن بود گاهی به خبرنگاری اخطار داده شود، ولی این اخطارها بیشتر از سوی خود روزنامه‌ها و سردبیران بود. گاهی منبع اصلی خبر با سرپرست یا مدیرمسئول روزنامه تماس می‌گرفت و درخصوص محتوای یک خبر تذکر می‌داد و مدیرمسئول نیز به خبرنگار مربوطه تذکر می‌داد. این تذکرات بیشتر جنبه اخطار داشت و کمتر پیش می‌آمد که به‌طور رسمی و جدی توبیخ شوند.

شما دو جنگ را پشت سر گذاشتید؛ یکی جنگ هشت‌ساله و این اواخر هم جنگ ۱۲روزه. تفاوت‌های خبری و پوشش‌دهی خبرنگاران را چطور مشاهده کردید؟

جنگ کنونی کاملا متفاوت از جنگ آن زمان است. آن زمان جنگ بیشتر در زمین جریان داشت، اما اکنون جنگ هوایی مطرح است و خبرهای متعددی درباره جاسوسی‌ها و فعالیت‌های اطلاعاتی منتشر شده که شرایط را کاملا متفاوت کرده است. در آن دوران، کشوری به ایران تجاوز کرده بود و از سران کشور تا آحاد ملت، ازجمله خبرنگاران، دارای حس عمیق میهن‌دوستی بوده و به کشور خود وفادار بودند. بنابراین، حتی اگر خبرنگاران مورد توبیخ یا اخطار قرار می‌گرفتند، این موارد بیشتر در حد تذکر و مؤاخذه بود و حداقل در خاطرات من چنین موردی پیش نیامده است.

در پاسخ به سؤال شما درباره جنگ ۱۲روزه اخیر، به‌عنوان کسی که هم جنگ ۴۰ سال پیش ایران و عراق و هم این جنگ اخیر را دیده‌ام، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. اساسا نوع جنگ متفاوت بود؛ جنگ اخیر تنها ۱۲ روز به طول انجامید و قبل از آنکه خبرنگاران و رسانه‌ها بتوانند روال خاصی را تنظیم کنند یا روند مشخصی برای پوشش خبری داشته باشند، جنگ به پایان رسید؛ اما در جنگ هشت‌ساله، برنامه‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای بسیار گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تر بود.

از نظر پوشش خبری، تفاوت اصلی این است که اکنون اخبار به‌صورت لحظه‌ای و فوری منتشر می‌شود؛ درحالی‌که آن زمان مردم منتظر اخبار رادیو، تلویزیون و چند روزنامه بودند. در آن زمان، منابع خبری محدود بود و اخبار با تأخیر چندساعته یا بیشتر منتشر می‌شد. این موضوع باعث می‌شد آرامش روانی مردم بیشتر حفظ شود؛ درحالی‌که امروزه سرعت انتشار اخبار سبب ایجاد تنش و اضطراب در مردم می‌شود.

پررنگ‌ترین اتفاقی که از زمان جنگ در ذهن شما مانده، کدام است؟

پررنگ‌ترین اتفاقی که برای من و همکاران پیش آمد، موشکباران شهرها بود. ما که در جبهه حضور نداشتیم و در پایتخت بودیم، این حملات را به‌شدت احساس کردیم. به‌عنوان نمونه، در پایان سال ۱۳۶۶ و اوایل سال ۱۳۶۷، موشکباران شهر تهران شدت گرفت و تحریریه روزنامه کیهان به دلیل خطرات ناشی از حملات، به ساختمانی دیگر منتقل شد. آن زمان تهران بسیار خلوت شده بود؛ برای مثال، مسیر خیابان انقلاب تا فرودگاه مهرآباد در صبح‌های آن روزها تنها ۱۰ دقیقه طول می‌کشید. روزنامه‌ها نیز در آن مقطع زمانی به دلیل شرایط جنگی، تعداد صفحات خود را کاهش دادند و برخی از کارکنان به دلیل مخاطرات حضور در محل کار، به‌طور موقت حضور نداشتند؛ به‌خصوص روزنامه کیهان که مقر آن به وزارت جنگ و منطقه‌ای که در معرض خطر بود، بسیار نزدیک بود.

یکی از تلخ‌ترین روزهایی که به یاد دارم، سقوط «خرمشهر» بود. یکی از تیترهای بسیار تأثیرگذاری که در آن مقطع انتخاب کردم، این بود: «خونین‌شهر با آخرین فشنگ‌ها مقاومت می‌کند». در واقع نمی‌خواستیم تیتر بزنیم که خرمشهر سقوط کرده است، به همین دلیل این تیتر را انتخاب کردم که برایم بسیار دردناک بود

گزارش

پروتکل‌های جهانی خبرنویسی در دوران جنگ؛ میان حقیقت، امنیت و مسئولیت اجتماعی

خبرنگاری در دوران جنگ، از حساس‌ترین و پرچالش‌ترین شاخه‌های روزنامه‌نگاری است؛ حوزه‌ای که در آن خبرنگار باید میان حق مردم برای دانستن، الزامات امنیتی و ملاحظات انسانی تعادل برقرار کند. به همین دلیل بسیاری از نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های رسانه‌ای و کنوانسیون‌های حقوق‌بشری، مجموعه‌ای از پروتکل‌ها و دستورالعمل‌ها را برای خبرنویسی در زمان جنگ تدوین کرده‌اند.

۱. اصل صحت و دقت (Accuracy & Verification)

در زمان جنگ، فضای انتشار شایعه، پروپاگاندا و اطلاعات نادرست بسیار گسترده است. پروتکل‌های حرفه‌ای بر این اصل تأکید دارند که خبرنگار موظف است پیش از انتشار هر خبر، صحت آن را از منابع متعدد و قابل اعتماد تأیید کند. سازمان‌هایی مانند Society of Professional Journalists و BBC Editorial Guidelines صراحتا بر دو منبع مستقل برای تأیید اطلاعات جنگی تأکید می‌کنند.

۲. بی‌طرفی و پرهیز از جانب‌داری (Impartiality)

خبرنگار نباید به بازوی تبلیغاتی یکی از طرف‌های درگیر تبدیل شود. حتی در شرایطی که فشارهای ملی یا سیاسی وجود دارد، رعایت توازن در پوشش دیدگاه‌ها و روایت‌های طرفین، بخشی از تعهد حرفه‌ای است. راهنمای Reuters Handbook of Journalism تأکید می‌کند که زبان خبر باید از واژگان ارزش‌گذارانه و تحریک‌آمیز پرهیز کند.

۳. رعایت امنیت نیروها و غیرنظامیان (Operational Security)

یکی از مهم‌ترین پروتکل‌ها، انتشار نیافتن جزئیاتی است که می‌تواند امنیت نیروهای نظامی یا غیرنظامیان را به خطر بیندازد. این اصل در Geneva Conventions Additional Protocol I نیز منعکس شده است. به‌عنوان مثال، مکان دقیق یگان‌ها، برنامه عملیات یا مسیرهای تخلیه نباید در زمان واقعی منتشر شود.

۴. حفاظت از کرامت انسانی و منع انتشار محتوای تکان‌دهنده بدون ضرورت (Human Dignity)

انتشار تصاویر اجساد، زخمی‌ها یا زندانیان جنگی تنها در صورتی مجاز است که ارزش خبری آن بسیار بالا و بدون جایگزین باشد و حتی در آن حالت نیز باید کرامت فردی رعایت شود. International Federation of Journalists (IFJ) تأکید دارد که خبرنگار باید از تبدیل رنج انسانی به «نمایش رسانه‌ای» خودداری کند.

۵. شفافیت در منابع و محدودیت‌ها (Transparency)

در بسیاری از مناطق جنگی، خبرنگاران «ضمیمه» یا همراه نیروهای نظامی می‌شوند. پروتکل‌های اخلاقی ایجاب می‌کند که خبرنگار این وابستگی یا محدودیت در دسترسی به اطلاعات را با شفافیت به مخاطب اعلام کند تا خواننده بتواند درک دقیقی از بافت و شرایط گزارش داشته باشد.

۶. توجه به اثرات روانی خبر (Psychological Impact)

انتشار اخبار جنگی می‌تواند اثرات روانی گسترده بر افکار عمومی بگذارد. برخی پروتکل‌ها مانند Dart Center for Journalism & Trauma Guidelines توصیه می‌کنند که خبرنگاران در انتخاب تیتر، تصویر و زاویه روایت، از ایجاد وحشت غیرضروری یا نفرت‌پراکنی پرهیز کنند.

۷. مسئولیت اجتماعی و زمینه‌سازی برای صلح (Social Responsibility)

برخی اسناد بین‌المللی مانند UNESCO's Charter on Media and Conflict، بر نقش رسانه در کاهش تنش‌ها و تسهیل گفت‌وگو تأکید دارند. این به معنای سانسور نیست، بلکه دعوت به انتخاب روایت‌هایی است که به درک متقابل و کاهش خشونت کمک کند. در نهایت، خبرنویسی در دوران جنگ، آزمونی برای حرفه‌ای‌گری و وجدان خبرنگار است. رعایت پروتکل‌های جهانی نه‌تنها به حفاظت از جان انسان‌ها کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به رسانه را حفظ کرده و مانع از آن می‌شود که خبر، به ابزاری برای تشدید درگیری و نفرت بدل شود.